



Studies on Israel - US
Vol 24. No 1. Spring 2023
Received date: 2023.01.25
Acceptance date: 2023.03.10



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The origins and consequences of reverse migration in Israel

Seyyed Ali Nejat¹



Abstract

The process of forming and strengthening Zionism in Israel, based on two basic principles; Occupying Palestinian lands and immigrating Jews from all over the world to this land is based on this. Therefore, the decrease in the average migration into the occupied territories and the increase in the reverse migration process have sounded the alarm of this regime. The immigration of Jews to Israel is the cornerstone of Zionism and the Jewish national movement, and the main reason for Israel's continued existence is the survival of the Jewish population in the region. In fact, the immigration of Jews to Israel is considered to be the main factor that ensures the security of this regime; Because it increases the Jewish population against non-Jews. Therefore, in addition to maintaining the existing population, the Zionist regime has tried to lure Jews from other regions of the world to occupied Palestine by persuasion and deception. But over the past two decades, one million Zionists have left the occupied land, and half of the young Zionists want to emigrate from Israel. In this regard, this article tries to answer two interconnected questions by using analytical-descriptive method and relying on library and electronic resources. First, what are the reasons for the increase in reverse migration in Israel? And secondly, what are the consequences of reverse migration for Israel? The answer to this question and in fact the hypothesis of the article is that factors such as the chaotic economic conditions and poverty, racial divisions within religions, the national identity crisis and the security crisis caused by the Zionist regime's warmongering policies in the region have been the main reasons for the increase in reverse migration in Israel; This phenomenon has negative economic, military and security consequences for Israel.

Keywords: Israel, Security Crisis, Identity Crisis, Economic Crisis, Racial Discrimination, Reverse Migration.

¹ Visiting Researcher at CMESS, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی

دوره ۲۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

ریشه‌ها و عواقب مهاجرت معکوس در اسرائیل

سید علی نجات^۱



چکیده

فرآیند شکل‌گیری و تقویت صهیونیسم در اسرائیل، بر اساس دو اصل اساسی اشغال اراضی فلسطینیان و مهاجرت دادن یهودیان از اقصی نقاط جهان به این سرزمین استوار است. بنابراین، کاهش میانگین مهاجرت به درون سرزمین‌های اشغالی و در کنار آن افزایش روند مهاجرت معکوس زنگ خطر این رژیم را به صدا درآورده است. مهاجرت یهودیان به اسرائیل سنگ‌بنای اندیشه صهیونیسم و جنبش ملی یهود بوده و عامل اساسی ادامه موجودیت اسرائیل، باقی ماندن جمعیت یهود در منطقه است. در واقع، مهاجرت یهودیان به اسرائیل عامل عمده تامین‌کننده امنیت این رژیم به‌شمار می‌آید زیرا جمعیت یهودی را در برابر غیر یهودیان افزایش می‌دهد. از همین رو، رژیم صهیونیستی تلاش کرده است علاوه بر حفظ جمعیت موجود، یهودیان سایر مناطق جهان را نیز با ترغیب و فریب به فلسطین اشغالی بکشاند. اما طی دو دهه گذشته یک میلیون صهیونیست سرزمین اشغالی را ترک کرده‌اند و نیمی از جوانان صهیونیست نیز خواهان مهاجرت از اسرائیل هستند. در همین راستا، نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی سعی در پاسخگویی به دو پرسش به هم پیوسته است. نخست، دلایل افزایش روند مهاجرت معکوس در اسرائیل چیست؟ و دوم آنکه مهاجرت معکوس چه پیامدهایی را برای اسرائیل در برداشته است؟ پاسخ این پرسش و در واقع فرضیه نوشتار این است که عواملی از جمله شرایط نابسامان اقتصادی و فقر، شکاف‌های نژادی درون دینی، بحران هویت ملی و بحران امنیت ناشی از سیاست‌های جنگ‌افروزان رژیم صهیونیستی در منطقه از دلایل عمده افزایش مهاجرت معکوس در اسرائیل بوده است؛ این پدیده، پیامدهای منفی اقتصادی، نظامی و امنیتی را برای اسرائیل در برداشته است.

واژگان کلیدی: اسرائیل، بحران امنیت، بحران هویت، بحران اقتصادی، تبعیض نژادی، مهاجرت معکوس.

مهاجرت به معنی ترک سرزمین اصلی و دیار مادری خود با هدف اسکان در شهر یا سرزمین دیگر است که این اقدام می‌تواند به دلایل مختلفی همچون اهداف اقتصادی، امنیتی، سیاسی، دینی و... انجام شود. بر همین اساس، در صورت بازگشت مهاجران به وطن اصلی خود پدیده جدیدی شکل می‌گیرد که از آن تحت عنوان «مهاجرت معکوس» یاد می‌شود. «مهاجرت» پدیده‌ای رایج در کشورهای مختلف، به‌ویژه در میان قشر تحصیل کرده و دارندگان مهارت‌ها و تخصص‌های مهم به‌شمار می‌رود و دولت‌های مختلف با این مسئله مواجه‌اند، اما در این میان، رژیم صهیونیستی با توجه به جمعیت نسبتاً کم و ترکیب نژادی و همچنین رویکرد سیاسی خود در منطقه، با مشکل مهاجرت گسترده مواجه است. در این میان، از سیاست‌های اولیه دولت اسرائیل از زمان تشکیل این دولت، سیاست واداشتن یهودیان سراسر جهان به مهاجرت به سرزمین فلسطین بود. مقامات اسرائیلی دلیل واقعی تمایل دولت به مهاجرت یهودیان را این می‌دانستند که «جمعیت اسرائیل کمتر از حد مناسب است و به وسیله دشمنان واقعی و بالقوه محاصره شده است. اسرائیل باید هرچه زودتر از جمعیت یهودی پر شود». بن‌گوریون عقیده داشت که هدف از مهاجرت، «نجات یهودیان از نابودی است». او همچنین دلایل امنیتی را برای مهاجرت یهودیان ذکر کرد: «ما اراضی را به تصرف درآورده‌ایم؛ اما بدون اسکان یهودیان، آنها هیچ ارزش واقعی نخواهند داشت، اسکان... فتح واقعی است» (کوئیگلی، ۱۳۷۲: ۱۳۸). مهاجرت یهودیان به اسرائیل یک عامل مهم تامین‌کننده امنیت این کشور به‌شمار می‌آید، زیرا جمعیت یهودی را در برابر غیر یهودیان افزایش می‌دهد. بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در باب ضرورت مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین فلسطین می‌گوید: «مهاجرت به فلسطین به منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می‌کند و ضامن امنیت و آینده اسرائیل است» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۴). وی همچنین در سال‌های ابتدایی تشکیل دولت صهیونیستی، قانون «تابعیت» را در کنست به تصویب رساند. در این قانون که در سال ۱۹۵۰ نهایی شد، به همه یهودیان طبق ماده یکم از قانون بازگشت، حق می‌دهد که به‌عنوان مهاجر به فلسطین بیایند.

در هر صورت، موضوع جمعیت یهودیان، همواره موضوعی حیاتی و بنیادین برای اسرائیل تلقی می‌گردد، زیرا بدون جمعیت یهودی، اسرائیل بدون معناست. برای تحقق این هدف، مسئولان رژیم صهیونیستی طی سال‌های گذشته با مهاجرت دادن یک میلیون یهودی به سرزمین‌های اشغالی با وعده بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی و دستیابی به زندگی آرمانی، سعی کردند که اهداف راهبردی خود را محقق نمایند. اما امروزه، همه چیز بر خلاف برنامه‌ها و اهداف مقامات این رژیم حرکت می‌کند. طی سال‌های اخیر آمار مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی کاهش چشمگیر داشته، بلکه با افزایش مهاجرت معکوس عملاً این رژیم بنیان خود را در معرض تهدید می‌بیند (زواری، ۱۳۹۳). مردم مهاجری که با وعده‌های رویایی به سرزمین اشغالی آمده‌اند، با افزایش مشکلات مربوط به امنیت و اقتصاد اکنون در حال فرار از این کشور هستند و مهاجرت به شکل معکوسی از سرزمین‌های اشغالی به کشورهای دیگر، به‌ویژه آلمان و آمریکا در جریان است. گفته می‌شود که در سه دهه گذشته، یک میلیون نفر خاک فلسطین اشغالی را ترک کرده‌اند؛ اگرچه خود دولت اسرائیل در این خصوص آمار روشنی را ارائه نمی‌کند و علی‌الاصول، پدیده مهاجرت معکوس را انکار می‌نماید اما درصد بالایی از تمایل جوانان که نیمی از جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند برای زندگی در خارج حکایت دارند. بر اساس آمار اداره مرکزی رژیم صهیونیستی، این گروه که اغلب دارای تحصیلات دانشگاهی هستند کمتر به هويت صهیونیست پایبند هستند و بیشتر به دنبال اهداف مادی و فرصت‌های شغلی و تحصیلی، خواهان ترک اسرائیل و مهاجرت به کشورهایی همچون آمریکا، استرالیا، کانادا و آلمان هستند. بر این اساس آنچه نگرانی روزافزون صهیونیست‌ها را افزایش می‌دهد مهاجرت معکوس است. مهاجرت معکوس به‌طور کامل با اصل دوم فلسفه صهیونیسم یعنی کشاندن جمعیت یهودی به سرزمین‌های اشغالی در تضاد است و می‌تواند ترکیب

جمعیتی اسرائیل را در مقایسه با جمعیت فلسطینیان به شدت مخدوش سازد و موجودیت اسرائیل را تهدید کند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی علاوه بر سیاست‌های تشویق مهاجرت به داخل، برنامه‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی فراوانی را برای تشویق بازگشت اسرائیلی‌های مقیم خارج به داخل این رژیم راه‌اندازی می‌کند. به‌رغم تمامی این تلاش‌ها، به نظر نمی‌رسد که این راهکارها و مشوق‌ها برای بازگشت یک میلیون صهیونیست مقیم خارج کافی باشد. در همین راستا، یکی از پرسش‌های اساسی نوشتار این است که دلایل افزایش روند مهاجرت معکوس در اسرائیل چیست؟ پرسش دیگر نوشتار این است که مهاجرت معکوس چه پیامدهایی را برای اسرائیل در بر داشته است؟ پاسخ این پرسش و در واقع فرضیه نوشتار این است که عواملی از جمله شرایط نابسامان اقتصادی و فقر، شکاف‌های نژادی درون دینی، بحران هویت ملی و بحران امنیت ناشی از سیاست‌های جنگ‌افروزانه رژیم صهیونیستی در منطقه از دلایل عمده افزایش مهاجرت معکوس در اسرائیل بوده است؛ این پدیده، پیامدهای منفی اقتصادی، نظامی و امنیتی را برای اسرائیل در بر داشته است.

۱- یهودیان اسرائیل؛ از اقلیت به اکثریت

اوضاع و احوال سیاسی اواخر قرن نوزدهم زمینه ظهور شخصیت‌های یهودی طرفدار اندیشه استعماری بازگشت به ارض موعود (فلسطین) و جنبش صهیونیستی را فراهم ساخت. در دهه ۱۸۸۰ طرفداران نهضت «عشاق صهیون» و سپس «جنبش بیلو» مسئله بازگشت یهودیان به فلسطین را رسماً مطرح کردند. پس از چندی نیز تئودور هرتصل با نوشتن کتاب «دولت یهود» و گرد آوردن شخصیت‌های صهیونیست، زمینه برپایی کنفرانس بال را در ۱۸۹۷ فراهم ساخت (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۹). دو گروه عمده صهیونیست در دهه ۱۸۸۰ در اروپا و به‌ویژه در روسیه به وجود آمد که محرکات اصلی یهودیان برای بازگشت به فلسطین قبل از آغاز فعالیت‌های هرتصل و تشکیل کنفرانس بال بودند. اولین گروه، جنبش دوستداران یا عشاق صهیون بود که برای اولین بار در سال ۱۸۸۲ در روسیه به وجود آمد و شعار «به سوی فلسطین» را برای خود انتخاب کرد. این نهضت از مهاجرت به فلسطین طرفداری و در این رابطه رنج‌های یهودیان در حکومت تزاری را افشا می‌کرد که به زودی شاخه‌های این نهضت در سراسر روسیه، لهستان، رومانی و انگلستان تاسیس شد. همچنین در کنار این فعالیت‌ها ارگان‌هایی برای خرید زمین در فلسطین به وجود آمد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۱). به هر حال، جنبش عشاق صهیون و شاخه‌های گوناگون آن تا سال ۱۸۹۷، یعنی «کنفرانس بال» به‌طور مستقل و بعد از آن در چارچوب «سازمان جهانی صهیونیست» که رهبری آن را هرتصل بر عهده داشت، به فعالیت‌های خود ادامه دادند.

در برابر جنبش عشاق صهیون، نهضت بیلو رنگ و جلای صهیونیستی بیشتری داشت. در واقع جنبش بیلو در طرح بازگشت به فلسطین بیش از عشاق صهیون نقش داشت. در تاریخ جدید اسرائیل نیز صهیونیست‌ها اهمیت خاصی به جنبش بیلو می‌دهند چرا که اولین مهاجرت علنی و گسترده یهودیان به فلسطین از سوی طرفداران بیلو و به تشویق رهبران آن شکل گرفت. بیلو در سال‌های اولیه دهه ۱۸۸۰ هم‌زمان با «عشاق صهیون» شروع به رشد کرد و مهد اصلی آن در روسیه بود. کلمه بیلو (Bilu) از کلمات اول جمله عبری «خانه یعقوب، بیا و به آنجا برویم» گرفته شده است. صهیونیست‌ها به طرفداران نهضت بیلو «پیشتازان بیلو» لقب داده‌اند، این به آن دلیل است که آنها اولین کسانی بودند که پس از مهاجرت به فلسطین در سال‌های میان ۱۸۸۴-۱۸۸۲ نخستین دهکده‌ها و مستعمره‌های یهودی را به وجود آوردند.

اگرچه عشاق صهیون و نهضت بیلو زمینه‌های اصلی رشد صهیونیسم و بارور شدن اندیشه بازگشت به اسرائیل را فراهم ساخت، اما بنیانگذار و پدر صهیونیسم سیاسی و دولت اسرائیل، تئودور هرتصل به‌شمار می‌آید. در حقیقت، انتشار کتاب دولت یهود «Jewish state» و تلاش‌های هرتصل که سرانجام به برپایی کنفرانس بال منجر شد، راه را برای ایجاد دولت یهود در فلسطین هموار کرد (همان، ۳۷). در اعلامیه چهار ماده‌ای بال، تسریع مستعمره کردن فلسطین توسط یهودیان،

گردآوری یهودیان جهان در فلسطین، جلب نظر حکومت عثمانی و کسب رضایت آن برای مستعمره کردن فلسطین مورد تأکید قرار گرفت. در این کنفرانس نیز یهودیان دو تصمیم اساسی اتخاذ کردند:

برنامه «بال» به مورد اجرا گذاشته شود؛

جهت نظارت بر اجرای برنامه، «سازمان صهیونیست جهانی» تشکیل شود.

به هر حال برنامه «بال» هدفی جز تاسیس یک میهن ملی یهودی در فلسطین نداشت و جهت نیل به این هدف استراتژی چهارگانه‌ای تعیین شد:

تشویق کشاورزان و صنعتگران یهودی به مهاجرت به فلسطین طبق طرح‌های پیش‌بینی شده؛

تشکیل سازمان‌های یهود در همه کشورها و ایجاد ارتباط میان آنها از طریق انجمن‌ها بر طبق قوانین موضوعه کشورهای که یهودیان در آن اقامت دارند؛

تقویت احساسات ملی یهودیان؛

کوشش جهت جلب موافقت کشورهای که انجمن یهودیان در آنها به وجود می‌آید، در راه نیل به هدف‌های مورد نظر صهیونیسم.

۱-۱- دوره‌های مختلف مهاجرت یهودیان به اسرائیل

«مهاجرت» ریشه در سنت دینی یهودیان دارد به طوری که در متون دینی یهود واژه «Aliyah» آمده که بیانگر ایده «رجعت یهودیان به ارض موعود» می‌باشد. به این ترتیب «مهاجرت» به عنوان یک سیاست عملی دارای ریشه عقیدتی در جامعه یهودی می‌باشد و صهیونیسم از این بستر مناسب برای تحقق آرمان‌های سیاسی خود بهره می‌جوید. در کنار این عامل می‌توان به اوضاع جهانی در نیمه دوم قرن ۱۹ اشاره کرد. در این زمان، نیمی از یهودیان در اروپای شرقی و روسیه تزاری به سر می‌بردند که از وضع چندان خوبی برخوردار نبودند. حرکت‌های ضد یهودی در دهه ۱۸۸۰ روسیه و دیگر ممالک اروپای شرقی، موج مهاجرت یهودیان را فزونی می‌بخشد و از این زمان است که ادوار مختلف مهاجرتی آغاز می‌شود.

دوره اول (۱۸۸۲-۱۹۰۳)

در طول دوران حکومت امپراتوری عثمانی اعراب اکثریت مطلق در سرزمین فلسطین را تشکیل می‌دادند. از پایان قرن نوزدهم و تحت تاثیر اندیشه ناسیونالیسم جهانی، جنبش صهیونیسم تکامل یافت و یهودیان سرزمین‌های مختلف شروع به مهاجرت به فلسطین کردند. در سال ۱۸۸۰ میلادی جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین بسیار اندک بود، ۲۲ هزار یهودی در مقابل ۴۰۰ هزار نفر عرب زبان. اما در اواخر دهه ۸۰ قرن نوزدهم، به دلیل تقاضای گسترده یهودیان برای مهاجرت به فلسطین، سلطان عثمانی دستور منع «مهاجرت گروهی» را صادر کرد و تنها به افراد اجازه مهاجرت داده شد و اکثر یهودیان تا قبل از کنگره بال به صورت غیرقانونی به فلسطین می‌آمدند.

در این مرحله نزدیک به ۲۵ هزار یهودی از اروپای شرقی به فلسطین مهاجرت می‌کنند که به نوبه خود موفق به تاسیس ۲۰ روستای یهودی‌نشین «موشاوا» می‌شوند و به این وسیله سنگ‌بنای ایجاد یک جامعه یهودی را می‌گذارند. اگرچه «موشاوا»ها بعداً مورد انتقاد قرار گرفته و اعتبار خود را از دست می‌دهند، لیکن این امر نمی‌تواند اهمیت این روستاها، به عنوان اولین اقدام‌های عملی در جهت تاسیس جامعه یهودی را از بین ببرد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۶).

دوره دوم (۱۹۰۴-۱۹۱۴)

در این دوره، حدود ۴۰ هزار یهودی دیگر وارد فلسطین می‌شوند و نقطه عطفی در تاریخ فلسطین پدید می‌آورند. این یهودیان نیز همانند مهاجران سابق بیشتر از روسیه تزاری و اروپای شرقی بودند که مؤسس کبیوتزها و متعاقب آن «موشاوا»ها

می‌باشند. مهاجران دوره دوم از آنجا که اکثراً از کارگران ساده و دانشجویان تنگدست تشکیل می‌شدند، نسبت به آرمان «عدالت اجتماعی» از خود حساسیت بسیاری نشان می‌دادند و تمایل آنها به مدل‌های اقتصادی فوق‌الذکر از همین نشأت می‌گیرد. عشق به احیای «هویت یهودی»، از ویژگی‌های عمده دیگر این گروه بود که در تلاش ایشان برای ایجاد یک طبقه از کشاورزان که برای خود زمین زراعی داشته باشند، متجلی می‌گردد. ایده ایجاد «جامعه‌ای عادلانه» به‌عنوان یک الگوی جهانی از آرمان‌های دیگر همین مهاجران می‌باشد که به‌صورت دعوی رسمی اسرائیل نیز درآمده است.

دوره سوم (۱۹۱۹-۱۹۲۳)

موج سوم مهاجرتی تحت تاثیر اعلامیه بالفور شکل می‌گیرد و با ورود ۳۵ هزار یهودی دیگر به فلسطین همراه است. مهاجران این دوره اساساً از عناصری پیشتاز و با پیشینه‌ای اروپایی ترکیب یافته بود که آمادگی پذیرش هرگونه مسئولیتی در چارچوب اهداف سیاسی صهیونیسم را دارا بودند. وجود همین ویژگی است که بعداً امکان تاسیس «هیستادروت» را فراهم آورد. در جریان جنگ جهانی اول ارتش بریتانیا این سرزمین را اشغال کرد و در سال ۱۹۲۲، یعنی پس از اعمال قیومیت انگلیس بر فلسطین، برای اولین بار به‌صورت رسمی سرشماری جمعیت در این منطقه صورت گرفت. بر اساس این سرشماری، جمعیت فلسطین در آن زمان حدود ۷۰۰ هزار نفر بود، در این میان جمعیت یهودیان ساکن فلسطین حدود ۷۰ هزار نفر بود. به تعبیر دیگر، ۹۰ درصد جمعیت فلسطین را اعراب و حدود ۱۰ درصد دیگر را یهودیان تشکیل می‌دادند.

دوره چهارم (۱۹۲۴-۱۹۲۸)

با ورود بیش از ۶۷ هزار یهودی دیگر از کشورهای اروپایی و عمدتاً لهستان، چهارمین موج مهاجرتی یهودیان شکل می‌گیرد. این یهودیان از طبقه متوسط بودند و برای همین مشاهده می‌شود که بیشتر در شهرهای مختلف فلسطین سکونت می‌گزینند و به مشاغلی همچون کار در کارخانجات و یا ایجاد فروشگاه‌های کوچک می‌پردازند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۶).

دوره پنجم (۱۹۲۸-۱۹۳۹)

این دهه شاهد وقوع بزرگترین موج مهاجرتی یهودیان می‌باشد که حدود ۲۵۰ هزار یهودی را در بر می‌گیرد. ظهور نازیسم و جنایت‌های هولناک هیتلر به مهاجرت یهودیان شدتی غیر قابل تصور می‌بخشد، که البته به نفع صهیونیست‌ها تمام می‌شود. این مهاجران عموماً از اروپای مرکزی به‌ویژه آلمان بودند که دارای مهارت کافی و سرمایه قابل توجهی بودند. متعاقب این مهاجرت شاهد بروز یک تغییر جدی در ترکیب جمعیتی جامعه فلسطین می‌باشیم، به این صورت که درصد یهودیان در فلسطین از ۱۷ درصد (به سال ۱۹۳۱) به ۲۲ درصد (به سال ۱۹۴۰) افزایش می‌یابد.

دوره ششم (۱۹۴۰-۱۹۴۸)

در فاصله زمانی بین جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۴۸ اگرچه به علت سیاست‌های کنترلی انگلستان بر روی مهاجرت‌ها و بروز تعارضاتی بین اعراب و یهودیان در خصوص این موضوع، روند ورود یهودیان عملاً متوقف می‌گردد، لیکن با وقوع جنگ جهانی دوم اوضاع تغییر کرده و موج مهاجرت‌ها دوباره از سر گرفته می‌شود. در نتیجه این سیاست جمعیت فلسطین در ماه مه ۱۹۴۸ به ۲۰۶۵۰۰۰ نفر می‌رسد که ۶۵۰ هزار نفر آن را یهودیان تشکیل می‌دادند (تقریباً ۳۱ درصد). در ماه نوامبر همین سال مشاهده می‌شود که در پی اخراج و فرار بیش از ۶۵۰ هزار نفر عرب از مرزهای فلسطین و ورود بیش از یکصد هزار نفر دیگر از یهودیان، درصد حضور یهودیان در ساختار جمعیتی فلسطین به ۸۲ درصد می‌رسد که به معنای قرار گرفتن یهودیان در مقام «گروه غالب» در جامعه فلسطینی است. روند مهاجرت به اسرائیل از این سال به بعد همچنان ادامه می‌یابد و در مجموع به حفظ وضعیت فوق و تقویت آن به نفع یهودیان در فلسطین، منجر می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۷).

در اواسط دهه ۱۹۶۰، اکثریت اسرائیلی‌ها را یهودیان متولد آسیا یا آفریقا تشکیل می‌دادند. در این دوره زمانی ۶۰ درصد از کل یهودیان اسرائیل و تقریباً تمام جمعیت بزرگسال در خارج از اسرائیل به دنیا آمده بودند. برعکس در سال ۱۹۸۵، ۶۰ درصد از کل یهودیان و ۹۴ درصد از افراد یهودی بین سنین ۱ تا ۱۹ سالگی در اسرائیل متولد شده‌اند. در سال ۲۰۰۶ جمعیت یهودیان متولد اسرائیل به ۶۸ درصد کل یهودیان ساکن مناطق اشغالی رسید. دیگر اسرائیلی تنها یک محل زندگی برای یهودیان نبود بلکه به وطن و سرزمین مادری برای یهودیان تبدیل شده بود. اطلاعات آماری سازمان مرکزی اسرائیل نشان می‌دهد که جمعیت ساکن اسرائیل تا اواخر سال ۲۰۱۲ قریب به هشت میلیون (۷.۹۸۰.۹) نفر بود. در این میان، جمعیت یهود ۰.۶۱۵ میلیون (۷۵/۴ درصد) و جمعیت اعراب ۱.۶۴۸ میلیون (۲۰/۶) (با احتساب قدس اشغالی)، از کل جمعیت را تشکیل می‌دادند (غانم، ۲۰۱۳: ۵).

۳- کاهش مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی و آغاز مهاجرت معکوس

قبل از اینکه مهاجرت معکوس مسئله صهیونیست‌ها شود، کاهش چشمگیر روند مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی ذهن آنان را به خود مشغول کرده بود. دوره زمانی میان سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۰ «دوران طلایی» مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی بود. مهاجرت یهودیان در این برهه به میزان ۶۵ درصد، در افزایش جمعیت صهیونیست‌ها تاثیر داشت. از این تاریخ به بعد به دنبال کاهش مشوق‌های مهاجرت و اوضاع بهتر کشورهای محل سکونت یهودیان، میزان مهاجرت آنها به‌خصوص در دهه هفتاد قرن گذشته به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت اما پس از افول دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق در آغاز دهه نود، اسرائیل توانست بیش از یک میلیون مهاجر یهودی روس را جذب کند و در اراضی اشغالی فلسطین اسکان دهد. به دنبال مهاجرت این تعداد یهودی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱، میزان مشارکت آنها در افزایش جمعیت یهودیان اسرائیل به ۶۹ درصد رسید و این‌گونه مهاجران یهودی روس اکثریت یهودیان رژیم صهیونیستی را تشکیل دادند (السلی، ۱۳۸۵: ۸). لیکن طی چند سال گذشته، مهاجرت یهودیان به اسرائیل با کاهش شدیدی در مقایسه با دو دهه گذشته مواجه بوده است. اولین نشانه‌های کاهش مهاجرت یهودیان از سال ۲۰۰۱ میلادی شروع شد (عبدالرحمن، ۲۰۱۳). در سال ۲۰۰۱ این رقم به ۴۳ هزار و در سال ۲۰۰۲ به ۳۳ هزار و در سال ۲۰۰۳ به ۲۳ هزار تا اینکه در سال ۲۰۰۴ به ۲۱ هزار نفر رسید (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵) و هم‌اکنون حدود ۶ هزار نفر در سال است. علاوه بر آن، برآوردهای مراکز رسمی سرشماری صهیونیستی نیز حاکی از افزایش روند مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین‌های اشغالی است. گزارش‌های منتشر شده از سوی اداره سرشماری مرکزی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که میزان مهاجرت به خارج از سرزمین‌های اشغالی از ابتدای سال ۲۰۱۴، به نسبتی ۱۰ درصدی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که شمار مهاجران به خارج در دو ماه ژانویه و فوریه ۲۰۱۴، به ۵۲۱ هزار نفر رسید، در حالی که در دوره مشابه سال ۲۰۱۳ میلادی، ۴۷۴ هزار تن از فلسطین اشغالی مهاجرت کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۳/۲/۱۹).

آغاز مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین‌های اشغالی سال ۲۰۰۴ بوده است. در این سال بیش از ۱۶۵۰۰ نفر سرزمین‌های اشغالی را ترک کردند؛ بیشتر این افراد پزشکان، مهندسان، متخصصان و دانشمندانی بودند که دنبال فرصت کاری بهتر و پر درآمدتر در کشورهای اروپایی یا آمریکا بودند. در سال ۲۰۰۷ مهاجرت معکوس از اسرائیل، شدت بیشتری پیدا کرد و یهودیان به سوی روسیه، اکراین و سایر جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق مهاجرت کردند. در همین راستا، وزارت داخلی رژیم صهیونیستی در گزارشی اعلام کرد که ۷۷۵ هزار شهروند اسرائیلی در این سال درخواست سلب تابعیت اسرائیلی کردند و آمادگی جدی خود را برای مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی اعلام کرده‌اند. آمارهای دیگر هم نشان می‌دهد میل مهاجرت در میان اسرائیلی‌هایی که خارج از سرزمین‌های اشغالی متولد شده‌اند نیز به‌شدت بالاست و این افراد که چهل درصد کل جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند اغلب ترجیح می‌دهند یا به کشور خود برگردند و یا به دیگر کشورهای غربی مهاجرت

کنند؛ برای مثال بخش قابل توجهی از جامعه رژیم صهیونیستی را مهاجران روسی تشکیل می‌دهند که پس از فروپاشی شوروی با انگیزه‌های اقتصادی به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند و اکنون به دلایل مختلف از جمله اقتصادی مجدداً در فکر ترک منطقه هستند. این موضوع برای دیگر ساکنان مناطق اشغالی هم صادق است و بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده حدود شصت درصد از صهیونیست‌ها ضمن تماس با سفارت‌های خارجی برای گرفتن تابعیت دوم اقدام کرده‌اند که نشانه‌ای از تمایل این افراد برای فرار از اسرائیل است. بیشتر کسانی که این رژیم را ترک می‌کنند، جوانان و قشر دانشگاهی هستند که بیشتر در کشورهایی چون آلمان، کانادا، استرالیا و آمریکا به دنبال فرصت‌های شغلی و تحصیلی می‌گردند.

۴- دلایل افزایش روند مهاجرت معکوس در اسرائیل

مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی صهیونیستی نشان می‌دهد که میانگین مهاجرت معکوس یهودیان بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ به بیست هزار مهاجر در سال، رسیده است (هویدی، ۲۰۱۵). دلایل متعددی در مهاجرت معکوس یهودیان از فلسطین اشغالی مطرح است. شرایط نابسامان اقتصادی از جمله افزایش مالیات، بیکاری و فقر، عوامل ایدئولوژیکی، وجود اختلاف طبقاتی و تبعیض‌های آشکار، احساس ناامنی و نگرانی‌های امنیتی ناشی از حمله راکتی فلسطینی‌ها، فساد اجتماعی و سیاسی و بلا تکلیفی در کارها به دلیل سیاست‌های جنگ‌افروزان رژیم صهیونیستی در منطقه از دلایل عمده مهاجرت معکوس از سرزمین‌های اشغال شده است (أبو زید، ۲۰۰۸). در ادامه به صورت مختصر به مهم‌ترین دلایل افزایش روند مهاجرت معکوس در اسرائیل اشاره خواهیم داشت.

۴-۱- بحران هویت ملی

جامعه اسرائیل به شدت شکننده است. جمعیت یهودی اسرائیل از ۱۰۲ کشور مختلف گرد هم آمده‌اند (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۲۷۶). آنان در فرهنگ، زبان، نژاد اختلافات شدید داشته و نمی‌توانند با یکدیگر احساس هویت مشترک که تشکیل‌دهنده یک ملت است، داشته باشند. هویت کشورها ترکیبی از عناصر مادی و معنوی است که روی هم رفته موجب ثبات، امنیت و همبستگی می‌شوند. کشورها به دنبال آن هستند که با تقویت عناصر مادی و معنوی راه را برای نگه داشتن هویت کشور فراهم آورند. هم‌زبانی، هم‌قومیتی، هم‌نژادی و هم‌دینی می‌تواند از عناصر اصلی هویتی کشورهای مختلف محسوب شود. در میان عناصر هویتی، هم‌دلی از همه مهم‌تر است، به این معنا که مردم یک کشور احساس کنند که متعلق به یک خاک و آب هستند و سرنوشت آنها یکی است، اگر این احساس به وجود آید، مهم‌ترین عنصر هویتی محسوب می‌شود. در این رابطه باید گفت که اسرائیل در وهله اول با یک بحران هویت مواجه است و پدیده مهاجرت معکوس در اسرائیل تا حد زیادی زائیده این بحران هویتی است که تل‌آویو در مدیریت آن با چالشی سخت مواجه است. علی‌رغم همه تلاش‌هایی که رژیم صهیونیستی برای هویت‌سازی داشته است، اما پدیده رو به رشد مهاجرت معکوس، آن هم در برخوردهای نظامی با اعراب فلسطینی، نشان‌دهنده عدم موفقیت اسرائیل در هویت‌سازی است (سیمبر، ۱۳۹۳).

با توجه به ماهیت تاسیسی رژیم صهیونیستی، جامعه اسرائیل از ترکیب ناهمگونی از یهودی‌ها (۷۵ درصد)، اعراب (۲۰ درصد)، و دروزی‌ها و سایر مذاهب (۵ درصد) تشکیل شده است. بر همین اساس، یهودی‌ها که خود را از اعراب برتر می‌دانند تبعیض‌های زیادی را علیه آنها اعمال می‌کنند. از سوی دیگر در میان خود یهودیان نیز، یهودیان اشکنازی خود را از یهودیان سفاردی برتر می‌دانند و بهترین موقعیت‌های شغلی را نصیب خود می‌کنند. این موضوع سبب شده تا جامعه اسرائیل با گذشت بیش از شش دهه، نتواند گروه‌های مختلف را حول تعریف واحدی از هویت اجتماعی متمرکز کند که تسریع روند مهاجرت معکوس افراد مختلف یکی از عواقب ناگوار این وضعیت است. برآیند این شرایط سبب شده تا رژیم صهیونیستی با یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حیات خود مواجه شود و از یک‌سو با توقف مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی و از سوی دیگر با گسترش روند مهاجرت معکوس، عملاً موازنه جمعیتی این رژیم بیش از پیش به نفع اعراب و فلسطینی‌ها

تغییر کند (زواری، ۱۳۹۳). حدود بیست درصد شهروندان اسرائیل را اعراب تشکیل می‌دهند. این شهروندان دارای ماهیت هویتی خود می‌باشند و به زبان عربی صحبت می‌نمایند. در اینجا نکته مهم این است که شکاف بین جامعه اعراب و یهودیان اسرائیلی از نظر توسعه و پیشرفت اقتصادی بسیار زیاد می‌باشد، اما اعراب از نرخ بالای زاد و ولد میان ساکنان این رژیم در مقام مقایسه با یهودیان برخوردار هستند که این امر دلیل اضطراب و نگرانی دولت اسرائیل می‌باشد. به این ترتیب تل‌آویو به اعمال سیاست‌های مختلف از جمله عرب‌زدایی در مناطق شمالی اسرائیل می‌پردازد. به این ترتیب چالش هویتی اعراب با اسرائیل، از موارد عمده تنازع و کشمکش میان عرب‌ها و یهودیان قلمداد می‌شود.

در مجموع، وجود شکاف‌های عربی-یهودی و اشکنازی-سفاردی در جامعه صهیونیستی، مهاجر بودن اکثریت یهودیان سرزمین‌های اشغالی و عدم وجود رابطه‌ای عاطفی میان آنان و سرزمین‌های محل سکونت‌شان و بحران عمیق هویتی آنان سبب می‌شود تا در هر بحران و منازعه‌ای، مهاجرت معکوس روندی تصاعدی به خود گرفته و در نتیجه یکی از پایه‌های امنیت این رژیم (جمعیت) متزلزل گردد و اصل اساسی اسرائیل یعنی «مهاجرت به سرزمین امن» مورد تردید قرار گیرد.

۲-۴- شکاف‌های نژادی درون دینی

رژیم صهیونیستی شهروندان را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است و شهروندان این رژیم عملاً با یک سیستم تبعیض نژادی شدید مبتنی بر کاست طبقاتی مواجه هستند. تقسیم‌بندی یهودیان به یهودیان غربی تبار «اشکنازی» و یهودیان شرقی تبار «سفاردیم‌ها» و یهودیان آفریقایی تبار موسوم به «فلاشه‌ها» نمایانگر رفتارهای نژادپرستانه رژیم صهیونیستی است. از مصادیق این تبعیض نژادی آن است که مقام‌های مسئول مراکز بهداشتی اسرائیل، خون‌های اهدایی فلاشه‌ها را دور می‌ریختند تا به ادعای خویش، مانع از نجس شدن خون یهودیان سفیدپوست شوند. یهودیان غربی به‌ویژه اگر از تبار لهستانی و انگلیسی باشند، از امکانات بسیاری برخوردارند که هیچ‌یک از یهودیان شرقی تبار، خواه عرب و خواه آفریقایی، از این امکانات بهره نمی‌برند (صفتاج، ۱۳۸۱: ۴۲).

بین سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها دشمنی دیرینه‌ای وجود دارد چرا که سفاردی‌ها اشراف یهود بودند و از اینکه با اشکنازی‌ها هم‌محل شوند، احساس شرم می‌کردند و همواره سعی داشتند فاصله خود را با اشکنازی‌ها حفظ کنند و با آنان عبادت یا ازدواج نکنند. اما بعدها وضعیت کاملاً برعکس شد و در حالی که سفاردی‌ها تبدیل به اقلیت شده‌اند، اشکنازی‌ها در تمدن غربی و همچنین دولت اسرائیل موقعیت برجسته‌ای یافته‌اند. برخی از رهبران اسرائیل، یهودیان سفاردی را «قرون وسطایی» نامیده‌اند که فاصله بسیار زیادی با یهودیان اشکنازی دارند. حتی اشکنازی‌ها سفاردی‌ها را از نظر عقلی، عقب‌مانده می‌نامند (کلهر، ۱۳۹۳: ۸). به‌طور کلی اشکنازی‌ها در پنج زمینه علیه سفاردی‌ها تبعیض قائل می‌شوند. ۱. اعمال سیاست‌های تبعیض-آمیز بر ضد سفاردی‌ها در زمینه اسکان و میزان بهره‌مندی از امکانات اعتبار خارجی ۲. سیاست غربی کردن اسرائیل به‌مثابه دولتی غربی که در آن روش‌ها، آداب و رسوم اشکنازی ترویج می‌شود ۳. از نظر سیاسی راه نیل به مناصب عالی‌حکومتی برای سفاردی‌ها مسدود و یا حداقل همراه با دشواری‌های بسیاری است ۴. در حوزه مسائل نظامی نیز اکثر مناصب مهم تحت کنترل اشکنازی‌ها قرار دارد و امور سخت و جان‌فرسای نظامی معمولاً به عهده یهودیان سفاردی است ۵. از نظر اقتصادی سیاست‌های کلی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که منجر به تقویت بنیان اقتصادی اشکنازی‌ها و فقر و بیکاری و ناامیدی سفاردی‌ها می‌شود. نتیجه آن ایجاد دو طبقه فرادست و فرودست در میان جامعه یهودیان می‌باشد. به‌عبارت دیگر تفاوت مذهبی و شکاف‌های نژادی بین یهودیان باعث شده تا تبعیض در زمینه‌های اقتصاد و جایگاه اجتماعی ریشه بدواند. این تبعیض‌ها باعث شد تا یهودیان سفاردی که نیمی از جمعیت اسرائیل می‌باشند برای فرار از این تبعیض مجبور به مهاجرت شده‌اند و رژیم صهیونیستی را با پدیده‌ای به نام «مهاجرت معکوس» مواجه کرده‌اند. این پدیده که در سال‌های اخیر شدت بیشتری پیدا کرده، موضوع بحران جمعیتی را در این رژیم مضاعف کرده است.

۴-۳- بحران امنیت

بحران امنیت از عوامل اساسی افزایش مهاجرت معکوس در اسرائیل به‌شمار می‌رود، طی چند دهه اخیر اسرائیل با صلح ناپایدار و وضعیت داخلی آشفته، بی‌ثبات و ناامن مواجه بوده است. در همین راستا، بسیاری از یهودیان ساکن اسرائیل در یک حالتی از اضطراب و ناآرامی مستمر به‌سر می‌برند (عبدالحمید، ۲۰۰۴). از جمله شعارها و اهداف بزرگ جنبش صهیونیسم ایجاد پناهگاه امن برای سراسر یهودیان جهان بود. اما برخلاف اندیشه هر متصل که معتقد بود با پیدایش دولت جدید وطن امن یهودیان ایجاد خواهد شد، وطن امن پدید نیامد و هم‌اکنون در قرن بیست و یکم اسرائیل در تدارک امنیت مورد نظر شکست خورده است. در حقیقت، افزایش ناامنی یکی از دغدغه‌های اسرائیلی‌ها به‌ویژه طی سال‌های اخیر بوده است. مهاجرانی که قرار بود با آمدن به اسرائیل از زندگی خوب و مرفه برخوردار باشند، اکنون با خلأ در اولین نیاز بشری، یعنی امنیت مواجه هستند و سیاست‌های جنگ‌طلبانه تل‌آویو باعث می‌گردد تا مهاجران مقیم، هرچه بیشتر با ناامیدی و یاس مواجه شوند و سودای رفتن به سایر کشورها را در سر پیروانند.

امنیت، اولین شرط زندگی و مهاجرت است. امنیت شهروندان راه را برای ثبات، توسعه انسانی و اقتصادی فراهم می‌آورد. در فقدان امنیت، امیدی برای رشد و توسعه وجود ندارد. مهاجرت صهیونیست‌ها به فلسطین نیز ظاهراً به خاطر کسب آرامش، آسایش، رشد اقتصادی و شکوفایی سرمایه‌ای بود که در نهایت به استقرار طولانی‌مدت آنها انجامید اما اکنون آنها متوجه شده‌اند که این آرامش با این بهانه‌ها محقق نخواهد شد. مهاجرانی که قرار بود با آمدن به اسرائیل از زندگی خوب و مرفه برخوردار باشند، اکنون با خلأ در اولین نیاز بشری، یعنی امنیت مواجه هستند و سیاست‌های جنگ‌طلبانه تل‌آویو باعث شده تا مهاجران مقیم، هرچه بیشتر با ناامیدی و یاس مواجه شوند و سودای رفتن به سایر کشورها را در سر پیروانند (سیمبیر، ۱۳۹۳).

با قدرت گرفتن روزافزون جنبش‌های مقاومت، اسرائیلی‌ها ترس بیشتری نسبت به آینده خود دارند و این عامل می‌تواند موجودیت اسرائیل را با خطر مواجه سازد. مقامات اسرائیل با نصب سپر دفاعی موشکی در این سرزمین قصد داشتند تا اسرائیل را برای سراسر یهودیان امن‌ترین سرزمین جلوه دهند ولی با ناکام ماندن این پروژه و اصابت موشک‌های حماس و حزب‌الله به شهرک‌های صهیونیست‌نشین، موج مهاجرت معکوس از اسرائیل با شدت بیشتری ادامه یافت. در این میان، انتفاضه تاثیر منفی آشکاری بر روند مهاجرت یهودیان به اسرائیل گذاشت. بدیهی است که انتفاضه نه تنها بر روند مهاجرت یهودیان به رژیم صهیونیستی تاثیر منفی گذاشت، بلکه برعکس یهودیان را به مهاجرت از اسرائیل به کشورهای خارج وادار کرد و این امر در داده‌های مراکز رسمی دولت عبری کاملاً هویداست. انتفاضه الاقصی بر روند مهاجرت یهودیان به اسرائیل دو تاثیر منفی گذاشت؛ نخست: نگرانی از عملیات شهادت‌طلبانه جنبش‌های فلسطینی و دوم: بحران اقتصادی ناشی از این انتفاضه؛ به نحوی که یهودیان دیگر اسرائیل را جای مناسبی برای زندگی نمی‌دانند (النعامی، ۲۰۰۶).

در حقیقت، حملات دهه اخیر اسرائیل به غزه و همچنین جنگ‌هایی که علیه حزب‌الله لبنان انجام می‌دهد مهم‌ترین نقش را در افزایش میزان مهاجرت معکوس داشته است. پس از درگیری پارتیزان‌های حزب‌الله با ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ و شلیک موشک به اهدافی در قلب فلسطین اشغالی، نحوه نگرش شهرک‌نشینان به امنیت داخلی تغییر پیدا کرد و مهاجرت معکوس به یکی از مشکلات اساسی این رژیم بدل شد. در واقع، جنگ ۲۰۰۶ پیامد منفی بر میانگین مهاجرت در اسرائیل به جای گذاشت (کرزم، ۲۰۰۷). جنگ ۸ روزه حماس با اسرائیل نیز سبب شد تا صهیونیست‌ها نسبت به برقراری امنیت در مناطق اشغالی بیش از گذشته احساس تردید نمایند. این نخستین بار بود که از خود سرزمین‌های فلسطینی، شهرهای صهیونیست‌نشین مورد حمله قرار گرفتند. در جنگ ۵۱ روزه غزه، حماس برای نخستین بار از موشک‌هایی با برد صد و سی کیلومتر استفاده نمود و طی حملات خود توانست فرودگاه «بن‌گوریون»، اطراف نیروگاه «دیمونا»، مقر نخست‌وزیر رژیم

صهیونیستی و ساختمان «کنست» را هدف قرار دهد. به این ترتیب این حملات موشکی و عملکرد دفاعی مقاومت، نشان داد که قدرت بازدارندگی اسرائیل به شدت آسیب پذیر است (السلهی، ۲۰۱۴). نتایج نظرسنجی که پس از جنگ ۵۱ روزه توسط شبکه دو تلویزیون اسرائیل انجام شده است، نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از یهودیان به مهاجرت از کشور فکر می‌کنند، داده‌های نظرسنجی حاکی از آن بود که تنها ۵۶ درصد از اسرائیلی‌ها به مهاجرت فکر نمی‌کنند، همچنین ۳۶ درصد از پرسش‌شوندگان به کسانی که در پی مهاجرت از اسرائیل هستند، دیدگاه منفی اعلام کرده‌اند، در حالی که اکثر پرسش‌شوندگان دیدگاه مثبت و یا بی‌تفاوت نسبت به مهاجرت از اسرائیل دارند (أبو جابر، ۲۰۱۴).

به دنبال حمله بالگردهای اسرائیل به منطقه قنيطرة (دی ماه ۱۳۹۳)، واقع در جولان سوریه موج جدید ضد صهیونیستی در لبنان و فلسطین شکل گرفت و سبب بروز ناامنی در شهرک‌های صهیونیست‌نشین گردید. پس از حادثه قنيطرة، که منجر به شهادت چند تن از فرماندهان مقاومت و حزب‌الله از جمله «جهاد مغنیه» شد، سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در پیامی دوکلمه‌ای به صهیونیست‌ها توصیه کرد: «جهزوا ملاجئکم»، یعنی «پناهگاه‌هایتان را آماده کنید». از این رو رژیم صهیونیستی بلافاصله در مرزهای شمالی سرزمین اشغالی با جنوب لبنان حالت آماده‌باش اعلام کرد. همچنین جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بر فراز مزارع «شبعاء» و «کفرشوبا» در جنوب لبنان به پرواز درآمدند. رژیم صهیونیستی همچنین به سفارتخانه‌های خود در سراسر جهان حالت آماده‌باش داد. به دنبال آن، نیروهای حزب‌الله در هشتم بهمن ماه با یک عملیات حساب شده و پیچیده به کاروان نظامیان اسرائیلی در کشتزارهای «شبعاء» حمله کردند. این عملیات برق‌آسا با کشته دادن ۱۷ اسرائیلی، باعث هراس شدید و سردرگمی صهیونیست‌ها شد. بنابراین با بروز این ناامنی‌ها موج جدیدی از مهاجرت معکوس در اسرائیل آغاز شد.

۴-۴- بحران اقتصادی

بی‌تردید، عامل اقتصادی نقش مؤثری در افزایش مهاجرت به اسرائیل ایفا می‌کند و مبحث اقتصادی مهم‌ترین عامل مشوق یهودیان به مهاجرت به اسرائیل به‌شمار می‌رود، به‌ویژه پس از اینکه کشورهای مختلف درهای خود را به روی مهاجران یهودیان گشوده‌اند. از همین جا است که مراکز تصمیم‌گیری جنبش صهیونیسم و دولت عبری در تلاش هستند تا یهودیان را با مشوق‌های اقتصادی به مهاجرت به اسرائیل ترغیب کنند تا اینکه یهودیان زمانی که شرایط زندگی در اسرائیل و هر دولت دیگری که امکان مهاجرت یهودیان به آنها وجود دارد، با هم مقایسه می‌کردند، ترجیح دهند که به فلسطین اشغالی مهاجرت کنند (النعامی، ۲۰۰۶).

اما اسرائیل در سال ۲۰۰۴ به دلیل شرایط نابسامان امنیتی بودجه تامین اجتماعی و تسهیلاتی را که به شهروندان پرداخت می‌کرد کاهش داد، مسئله‌ای که موجب شد اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر از آن متضرر شوند. این اقشار بیشتر ساکنان شهرهای به اصطلاح توسعه‌یافته واقع در شمال و جنوب اسرائیل بودند که بیشتر ساکنان آنها از طبقات آسیب‌پذیر شرقی تبار و یهودیان مهاجر روسی بودند. وزارت دارایی طرح‌هایی را در زمینه کاهش بودجه رفاه اجتماعی به میزان ۵ میلیارد ارائه کرده است که بنا به گفته‌های مقامات صهیونیستی به احتمال زیاد این بودجه همچنان کاهش خواهد یافت (النعامی، ۲۰۰۶). این امر منجر به کاهش مهاجرت یهودیانی شد که از وضعیت نابسامان اقتصادی اسرائیل مطلع بودند. این بحران اقتصادی همچنین بسیاری از افراد طبقه متوسط را به مهاجرت معکوس واداشت.

در واقع، بحران اقتصادی همواره یکی از قوی‌ترین انگیزه‌ها برای مهاجرت معکوس ایجاد می‌کند و این مقوله در نظر ساکنان اسرائیل، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است؛ افزایش مالیات و کاهش درآمدها، در سال‌های اخیر تأثیرات نامطلوبی بر زندگی اسرائیلی‌ها به‌ویژه طبقه متوسط جامعه بر جای گذاشته است، همچنین بودجه سال ۲۰۱۴ میلادی تل‌آویو، افزایش مالیات‌ها و کاهش مزایا را برای اسرائیلی‌ها تعریف کرده بود. این در شرایطی است که شهروندان اسرائیلی با سیاست‌های تبعیض‌آمیز

رژیم صهیونیستی مواجه هستند. با توجه به ضعف اقتصادی رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر، مهاجرت معکوس نیز سرعت بیشتری پیدا کرده است. در مجموع از جمله مهم‌ترین دلایل اقتصادی که منجر به مهاجرت معکوس از اسرائیل شده است عبارت هستند از:

۴-۴-۱- پایین بودن سطح درآمد

بدون تردید وعده رفاه و درآمد خوب، اصلی‌ترین محرک مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین اشغالی است. آمار و داده‌ها حاکی از آن است که میانگین درآمد ماهانه هر فرد اسرائیلی ۲۵۰۰ دلار می‌باشد؛ این رقم پایین‌ترین میزان درآمد در میان کشورهای توسعه‌یافته است، این در حالی است که متوسط درآمد ماهانه در ایالات متحده آمریکا برای هر فرد تا ۴۲۰۰ دلار و در آلمان ۵۳۰۰ دلار و درآمد ماهانه هر فرد در نروژ نیز ۷۲۰۰ دلار می‌باشد (أبو جابر، ۲۰۱۴). درآمد افراد تحصیل کرده در کشورهای صنعتی غرب خیلی بیشتر از اسرائیل است. به‌عنوان مثال یک استادیار دانشگاه در اسرائیل ماهانه کمتر از ۲۰۰۰ دلار دریافت می‌کند، در حالی که همین شخص در خارج می‌تواند ماهانه ۵۰۰۰ دلار درآمد داشته باشد. همچنین اساتید رشته‌های مهم در خارج حدود ۸۰۰۰ هزار دلار در ماه حقوق دریافت می‌کنند.

۴-۴-۲- فقدان فرصت‌های اشتغال

به دنبال تشدید بحران اقتصادی در اسرائیل نرخ بیکاری به بیش از ۱۱ درصد افزایش یافت و این رقم یک رکورد برای دولتی نظیر اسرائیل قلمداد می‌شود که مهم‌ترین تعهد آن در قبال شهروندان خود ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان است. اطلاعات و داده‌های ارائه‌شده توسط دفتر مرکزی آمار نشان می‌دهد که بیشترین افرادی که از اسرائیل مهاجرت کرده‌اند را فارغ‌التحصیلان و متخصصانی تشکیل می‌دهند که یا فرصت اشتغال در اسرائیل برای آنها فراهم نشده و یا پایین بودن سطح دستمزدهای آنان در مقایسه با سطح علمی و تحصیلی عامل مهاجرت آنها از اسرائیل شده است. در این میان، حدود ۲۰ درصد از این افراد به اروپا و اکثریت قریب به اتفاق از فارغ‌التحصیلان دکتری به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده‌اند (أبو جابر، ۲۰۱۴).

شایان ذکر است که بحران اقتصاد جهانی پیامدهای منفی بسیاری بر وضعیت اقتصادی-اجتماعی اسرائیل، در بر داشته است. نرخ رشد از ۲.۵ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۲.۰ درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت، نرخ بیکاری نیز از ۶.۸ درصد به ۱۰.۲ درصد افزایش پیدا کرد. به این معنی که تعداد بیکاران از ۲۰۰ هزار نفر به حدود ۳۰۰ هزار نفر رسیدند (عبدالرحمن، ۲۰۱۳). در پی تشدید بحران اقتصادی ده‌ها هزار اسرائیلی به جمع بیکاران پیوستند، به گونه‌ای که بسیاری از جوانان اسرائیل به منظور یافتن کار و حرفه از آن خارج شدند. در واقع، بحران اقتصادی در جدایی بیش از ۴۰ هزار کارگر و کارمند از شغل خود نقش اساسی داشته است. نیمی از نیروی کار مهاجران جدید نیز موفق به یافتن کار نشده‌اند. در نتیجه بسیاری از علاقه‌مندان به مهاجرت تصمیم گرفتند سفر خود را لغو کنند و افرادی که در اسرائیل به سر می‌برند نیز به فکر مهاجرت از اسرائیل افتاده‌اند.

۴-۴-۳- افزایش قیمت مسکن و سوخت

آزاردنده‌ترین مسئله اقتصادی برای اسرائیلی‌ها هزینه‌های بالای قیمت مسکن است، یک شهروند اسرائیلی مجبور است به‌طور متوسط ۱۱.۵ سال مستمر به کار و فعالیت بپردازد تا قادر به خرید یک واحد آپارتمان شود، در حالی که اگر همان شهروند در ایالات متحده آمریکا باشد در طول ۴.۵ سال کار می‌تواند یک واحد آپارتمان داشته باشد، این میزان در انگلیس ۳.۵ سال، فرانسه ۳.۶ سال و در هلند در طی ۹.۴ سال است (أبو جابر، ۲۰۱۴).

از نظر میزان قیمت سوخت، اسرائیل بالاترین هزینه را در بین کشورهای جهان دارا می‌باشد. قیمت هر لیتر بنزین در اسرائیل ۲.۲ دلار می‌باشد. بنابراین اگر یک شهروند اسرائیلی ۴۰ لیتر بنزین نیاز داشت، باید معادل ۹۰ دلار (بیش از ۳۰۰ شیکل اسرائیلی)، پرداخت کند. در حالی که قیمت یک لیتر بنزین در حوزه کشورهای یورویی، تنها حدود ۲ دلار برای هر لیتر می‌باشد (أبو جابر، ۲۰۱۴). در ایالات متحده آمریکا نیز، قیمت یک لیتر بنزین کمتر از ۵۰ درصد از کشورهای ذکر شده است. علاوه بر آن درآمد سرانه در این کشورها، بالاتر از اسرائیل است.

۵- پیامدهای منفی مهاجرت معکوس برای اسرائیل

تا کنون شمار زیادی از نخبگان و کارشناسان علوم فنی و الکترونیک برای یافتن شرایط کاری و حقوقی بهتر در خارج از اسرائیل، آنجا را ترک کرده و به مناطق دیگر جهان مهاجرت کرده‌اند. علاوه بر آن شمار زیادی از اسرائیلی‌هایی که خواهان رفتن به خارج هستند، همچنان رو به افزایش است. از جمله مهم‌ترین پیامدهای منفی ناشی از مهاجرت معکوس در اسرائیل عبارت هستند از:

۱-۵- فرار مغزها

علاوه بر گسترش مهاجرت شهروندان عادی، مهاجرت و خروج متخصصان و دانشمندان صهیونیست از فلسطین اشغالی مسئله‌ای است که ابعاد مهاجرت معکوس را برای رژیم صهیونیستی فاجعه‌آمیز ساخته است. به تعبیر دیگر، یکی از ابعاد خطرناک پدیده مهاجرت معکوس، مهاجرت نخبگان یا همان فرار مغزها و نیز بدنه فعال جامعه اسرائیلی است. فرار مغزها و افزایش مهاجرت نخبگان تاثیری منفی هم بر جمعیت و هم بر ساختار اجتماعی اسرائیل دارد. اخیراً مقام‌های رژیم صهیونیستی اعتراف کرده‌اند که هزاران دانشمند صهیونیست از زمان اشغال فلسطین تا کنون از سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده و به کشورهای غربی پناه برده‌اند. در این میان طی دو سال گذشته هزاران نفر از تکنسین‌ها و متخصصین یهودی فعال در زمینه الکترونیک، اسرائیل را ترک کرده‌اند (عبدالرحمن، ۲۰۱۵). در هر صورت فرار مغزها یا مهاجرت معکوس دانشمندان و متخصصین صهیونیست مهم‌ترین تهدید برای موجودیت رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود. موضوع دیگری که به شدت رژیم صهیونیستی را نگران کرده تمایل جوانان یهودی برای خروج از سرزمین‌های اشغالی و مهاجرت به دیگر مناطق جهان به‌ویژه آمریکا و اروپاست. جوانان بسیاری هستند که به محض پایان دوران نظام وظیفه و تحصیلات عالی خود برای اقامت دائم و طولانی‌مدت از سرزمین‌های اشغالی مهاجرت می‌کنند. اکثریت این مهاجران را افرادی تشکیل می‌دهند که در این منطقه متولد شده‌اند و در همان‌جا به سنین جوانی رسیده‌اند اما اکنون شرایط را برای ادامه زندگی در این سرزمین مناسب نمی‌دانند.

۲-۵- پیامدهای منفی اقتصادی

بی‌تردید مهاجرت معکوس زیان‌های اقتصادی سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد می‌کند، چرا که شمار زیادی از مهاجران به خارج را دارای تخصص‌های علمی بالا به‌ویژه در حوزه تکنولوژی‌های مدرن و پیشرفته تشکیل می‌دهند و در حالی که انتظار می‌رفت، این افراد نقشی اساسی در پیشرفت و برتری فنی و تکنولوژیکی رژیم صهیونیستی ایفا کرده و موجبات رشد و پیشرفت اقتصاد این رژیم را فراهم کنند. این در حالی است که صنایع پیشرفته از جمله منابع پردرآمد این رژیم به‌شمار می‌رود و سالانه حدود ۷ میلیارد دلار درآمد عاید این رژیم می‌کند (النعامی، ۲۰۰۶).

۳-۵- پیامدهای منفی نظامی و امنیتی

نتایج و تبعات منفی ناشی از مهاجرت معکوس در اسرائیل تنها به عرصه اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه عرصه‌های نظامی و امنیتی را نیز در بر می‌گیرد. صهیونیسم سیاست‌های خود را از زمان ورود نخستین مهاجران یهودی به اسرائیل تا کنون، بر

پایه نظامی‌گری و خشونت استوار کرده است. اساس پیشرفت ارتش در مراحل گوناگون و تقویت آن از طریق جذب نیروهای تازه‌نفس، ارتباط تنگاتنگی با روند مهاجرت یهودیان دارد. از همین رو، جمعیت عامل مهمی برای قدرتمندی نیروهای مسلح اسرائیل است. برای اسرائیل که دائما خود را در معرض تهدید مقاومت می‌بیند، جمعیت بالای نیروهای مسلح اصلی مهم است. اسرائیل در یک جنگ طولانی مدت و فرسایشی نمی‌تواند از بسیج مردمی بهره ببرد، چرا که جمعیت پایین بخش‌های عمده و مختلف را فلج خواهد کرد.

برتری امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز تا حدود زیادی به برتری آن در حوزه تکنولوژی‌های پیشرفته بستگی دارد و از این حیث رژیم صهیونیستی دومین قدرت تولیدکننده هواپیماهای بدون سرنشین به‌شمار می‌آید و این رژیم با استفاده از تکنولوژی‌های مدرن توانسته چندین نسل از این هواپیماها را بهینه‌سازی کند. به هر حال، مهاجرت معکوس در رژیم صهیونیستی بازتاب منفی گسترده‌ای بر حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی خواهد داشت و همین موضوع بیش از پیش بر نگرانی مقامات صهیونیستی افزوده است (النعامی، ۲۰۰۶).

۶- برنامه‌های اسرائیل برای جذب مهاجرین و جلوگیری از مهاجرت معکوس

موضوع آینده جمعیتی یهودیان در سرزمین‌های اشغالی از نظر بسیاری از مؤسسه‌های اسرائیلی به دغدغه اصلی این رژیم تبدیل شده و از آنجا که به علت نرخ زاد و ولد پایین، بزرگترین عامل برای رشد جمعیت صهیونیست‌ها از طریق مهاجرت تعیین شده است، مقام‌های این رژیم را به فکر انداخته تا با روش‌های مختلف موضوع کمبود مهاجر را جبران کنند.

در این میان، آژانس یهود با صرف هزینه‌های هنگفت و توسل به انواع و اقسام روش‌ها چند میلیون یهودی را از اطراف و اکناف جهان گرد هم آورده است. از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ طی عملیاتی به نام «فرش سحرآمیز» ۵۰ هزار یهودی از یمن به اسرائیل مهاجرت کردند. سال ۱۹۵۰ در عملیات «ازراء» و «نخیمیا» بیش از ۱۲۰ هزار یهودی عراقی، سال ۱۹۸۴ در عملیات «موسی» ۱۵ هزار یهودی اتیوپیایی و در سال ۱۹۹۱ میلادی در عملیات «سلیمان» ۱۴ هزار نفر دیگر «باقیمانده یهودیان اتیوپی» کشور خود را ترک و در سرزمین‌های اشغالی اسکان یافتند. آنچه ذکر شد نمونه‌ای از ده‌ها عملیات آژانس یهود برای تولید یک ملت است. آژانس یهود با چاپ کتب و مقالات متعدد در مورد تاریخ قوم یهود و اتصال آن به بنی‌اسرائیل تلاش نمود، تاریخی مشترک نیز برای این مهاجران بسازد (صرفی، ۱۳۸۵: ۱۲). علاوه بر آن، اسرائیل همواره با بهره‌برداری از اتفاقات و بحران‌های بین‌المللی یهودیان جهان را به مهاجرت و زندگی در فلسطین دعوت می‌کنند، اسرائیلی‌ها از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود قرن گذشته بهره‌برداری کردند و یهودیان روسیه را به مهاجرت به اسرائیل دعوت کردند، همچنین از وضعیت اقتصادی و فقر در اتیوپی و دیگر کشورهای آفریقایی به سود خود بهره‌برداری کرده‌اند (هویدی، ۲۰۱۵). از جمله مهم‌ترین برنامه‌های اسرائیل برای جذب مهاجرین و جلوگیری از مهاجرت معکوس عبارتند از:

۱-۶- طرح‌های تشویقی اسرائیل برای بازگشت یهودیان

دولت صهیونیستی در قبال پدیده مهاجرت معکوس تدابیری اندیشیده است: از جمله تصویب ۱۰۰ میلیون شیکل، معادل ۲۴ میلیون دلار، برای تشویق صهیونیست‌ها به مهاجرت به فلسطین اشغالی از سوی وزارت جذب مهاجران و یا اجرای طرح «مسا» به منظور جذب سالانه ۲۰ هزار جوان یهودی جهت تحصیل در اسرائیل به مدت یک ترم با هزینه دولت اسرائیل و آژانس یهود با اختصاص سرمایه‌ای معادل ۱۰ میلیون دلار (سلطان‌شاهی، ۱۳۸۶). علاوه بر آن می‌توان به طرح بازگشت ۷۵ هزار اسرائیلی نیز اشاره کرد. این طرح برای جذب یهودیان و مقابله با مهاجرت معکوس برنامه‌ریزی شده است؛ این طرح برای یهودیانی اختصاص داده شده که اسرائیل را ترک کرده‌اند و در حال حاضر در کشورهای دیگری زندگی می‌کنند. سه امتیاز این طرح عبارتند از: امتیاز معاف از پرداخت مالیات بر درآمد برای یک دوره ۱۸ ماهه، معافیت از پرداخت عوارض گمرکی برای یک دوره ده ساله و پرداخت تسهیلات از جمله وام اشتغال‌زایی برای راه‌اندازی کارگاه‌های کوچک. از همین

رو، این طرح و امتیازهای ناشی از آن شامل هر فرد اسرائیلی می‌شود که حداقل ۶ سال در خارج از اسرائیل سکونت داشته و تصمیم بر بازگشت و زندگی در اسرائیل داشته باشد (موسی، ۲۰۱۴).

۲-۶- تشویق کارگران خارجی به یهودی شدن و انعطاف‌پذیری بیشتر در قبال مهاجرپذیری

پدیده مهاجرت معکوس و بحران جمعیتی، صهیونیست‌ها را بر آن داشت تا برای فائق آمدن بر مشکل جمعیتی خود به ارائه راهکارهایی موسوم به «راهکارهای ابتکاری» روی آورند که از جمله آنها می‌توان به تشویق کارگران خارجی به انتخاب دین یهود، اعطای حق شهروندی به این کارگران، ارائه تسهیلات در زمینه جذب مهاجران حتی از غیر یهودیان در صورتی که تمایلی به یهودی شدن داشته باشند، اشاره کرد. این درخواست‌ها در جریان کنفرانسی که رژیم صهیونیستی در تل‌آویو برگزار کرده بود مطرح شد؛ البته تا چند سال پیش این درخواست‌ها یک خیانت به ایده و افکار رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد، اما بحران جمعیتی باعث شده که مقامات رژیم صهیونیستی به این فکر بیفتند (النعامی، ۲۰۰۶). این در حالی است که طبق اعتقادات یهودیان تنها کسی که از یک مادر یهودی متولد می‌شود، یهودی است.

۳-۶- بهره‌برداری از حوادث تروریستی «شارلی ابدو» و «کپنهاگ»

بر اساس آمار منتشر شده، فرانسه در زمینه مهاجرت یهودیان به اسرائیل رتبه اول را دارا می‌باشد. گزارش مذکور تأکید دارد که این عدد در سال گذشته از ۷ هزار نفر فراتر رفته است، این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ تنها ۳۵۰۰ یهودی فرانسوی به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کردند. اسرائیل قصد دارد طی سال ۲۰۱۵ این تعداد را به ۱۰ هزار مهاجر یهودی برساند. موضوع مهاجرت به اسرائیل مهم‌ترین مسئله‌ای است که پس از حمله اخیر ذهن اسرائیلی‌ها را به خود مشغول کرده است. به‌ویژه اینکه در حال حاضر تیمی اسرائیلی تشکیل شده تا اقدامات تشویق یهودیان فرانسه برای مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی را مدیریت کند. در پی حادثه تروریستی حمله به دفتر هفته‌نامه «شارلی ابدو» در فرانسه مقامات اسرائیل تلاش کردند تا با استفاده از بحران به وجود آمده در غرب اروپا حداقل بهره‌برداری در جهت جلوگیری از مهاجرت معکوس از اسرائیل انجام دهند. «بنیامین نتانیاو» نیز جامعه کلیمیان فرانسه را مورد خطاب قرار داد و گفت: «می‌خواهم به یهودیان فرانسه بگویم که اسرائیل خانه شماست». رژیم صهیونیستی، برای ترغیب یهودیان به مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی، دفاتری در سراسر دنیا در اختیار دارد که تحت نظر «آژانس یهود» فعالیت می‌کنند؛ نقل‌قول‌های متفاوتی از نحوه عملکرد این آژانس در ترغیب و گاه اجبار یهودیان برای سفر به فلسطین اشغالی در رسانه‌ها قابل دسترس است. برناد اسنودن، کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا (CIA) در مصاحبه‌ای بیان کرده است که: «اسرائیل از مهاجرت معکوس یهودیان در خلال سال‌های گذشته ناخرسند بوده است و همین نگرانی، مسئولان وزارتخانه مهاجرت اسرائیل را بر آن داشت تا از دستگاه اطلاعاتی این رژیم، موساد، بخواهند برای توقف مهاجرت معکوس کمک کند. وی افزود: مؤسسه اطلاعات و ماموریت‌های ویژه اسرائیل در پاسخ به این درخواست، عملیاتی را از طریق انتشار تصاویر موهن به ساحت پیامبر اسلام (ص) در کشورهای غربی آغاز کرد تا فضایی ستیزه‌جویانه ضد یهودیان ساکن اروپا به راه اندازد و آنان را وادار به زندگی در اسرائیل کند» (مرادی، ۱۳۹۳). این در شرایطی است که وقوع حادثه شارلی ابدو در فرانسه زمینه مساعدی بود تا سران رژیم صهیونیستی بار دیگر از ناامنی کشورهای اروپایی بهره‌برداری سیاسی کنند و از یهودیان ساکن این کشور بخواهند تا به اسرائیل مهاجرت کنند. نتانیاو پس از ماجرای تروریستی «کپنهاگ» در دانمارک نیز از یهودیان این کشور خواسته بود به اسرائیل مهاجرت کنند. «بنیامین نتانیاو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد که کابینه‌اش طرح ۴۶ میلیون دلاری با هدف تشویق یهودیان اروپا جهت مهاجرت به اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتانیاو با اشاره به تیراندازی دانمارک افزود: «انتظار می‌رود موج این حملات ادامه یابد. یهودیان مستحق امنیت هستند، ولی ما به برادران و خواهران یهودی خود می‌گوییم که اسرائیل خانه شماست».

۴-۶- بهره‌برداری از بحران اوکراین

بعد از فرانسه اوکراین در مقام دوم قرار دارد که بیشترین مهاجر یهودی را به اسرائیل داشته است. در سال گذشته میلادی این تعداد به حدود ۶ هزار نفر رسید، حال آنکه در مقایسه با سال ۲۰۱۳ رشد بی‌سابقه‌ای را نشان می‌دهد. بعد از بحران این کشور و تشدید نزاع بین روسیه و اوکراین آژانس یهود موفق شد هزاران یهودی این کشور را تشویق به رفتن به اسرائیل کند (الجزیره، ۲۰۱۵). خاخام بزرگ اوکراین نیز از یهودیان این کشور خواسته به دلیل ناامنی، بی‌ثباتی و خصومت با آنها، به اسرائیل مهاجرت کنند (طعمه، ۲۰۱۴). تعداد یهودیان مهاجرت کرده از اوکراین به سرزمین‌های اشغالی نیز بالغ بر ۵۸۴۰ نفر است، این رقم به نسبت سال‌های گذشته سه برابر شده است، این امر نشان می‌دهد که بحران اوکراین تاثیر عمده‌ای بر مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی داشته است. رژیم صهیونیستی با سوءاستفاده از بحران اوکراین، زمینه مهاجرت یهودیان ساکن این کشور را به مناطق اشغال شده، فراهم کرده است. مهم‌ترین سیاست رژیم صهیونیستی در بهره‌برداری از بحران‌های داخلی کشورهای مختلف از جمله اوکراین، ایجاد رعب و وحشت در میان یهودیان ساکن در کشورهای مختلف است تا از این طریق بتواند یهودیان را وادار به مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی کند زیرا این رژیم برای ادامه اجرای طرح‌های راهبردی شهرک‌سازی خود نیاز به ساکنان یهودی بیشتری دارد.

نتیجه

اسرائیل به‌عنوان رژیمی نامشروع که در سال ۱۹۴۸ تاسیس شد توانسته بنا به دلایل متعدد در شش دهه گذشته به حیات خود ادامه دهد. اما این رژیم از آغاز هزاره سوم با چالش‌ها و شکاف‌هایی مواجه شده که علاوه بر تضعیف آن، «بقای» این رژیم را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است. در این میان، جمعیت و مسائل جمعیتی از حادترین و ریشه‌دارترین معضلات جامعه اسرائیل به‌شمار می‌آید که هنوز هم به نحوی دامن‌گیر این جامعه می‌باشد و در سطوح مختلف پیامدهای گوناگونی به دنبال داشته است. فلسفه به وجود آمدن اسرائیل از زبان بنیان اولیه آن نیز، جذب یهودیان سراسر جهان به فلسطین ذکر شده است. لیکن، امروزه از یک جهت مهاجرت یهودیان به اسرائیل به پایین‌ترین حد در تاریخ خود رسیده است و از جهتی دیگر روند مهاجرت معکوس سیر تصاعدی داشته است. آخرین امواج مهاجرت به اسرائیل را یهودیان فقیر روسیه تشکیل می‌دادند که برای بهبود وضعیت مالی و معیشتی مهاجرت کردند؛ اما مشکل فقر آنها در اسرائیل حل نشد، از این رو به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و افزایش فرصت‌های شغلی در روسیه تعداد زیادی از آنها به کشور اصلی خود بازگشته‌اند. علاوه بر آن هیچ‌یک از یهودیان ساکن در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی، انگیزه‌ای برای مهاجرت به اسرائیل ندارند، چرا که از وضعیت معیشتی و رفاه بیشتری برخوردار هستند، که با شرایط زندگی در اسرائیل غیر قابل قیاس می‌باشد. در همین راستا، می‌توان گفت که ایدئولوژی صهیونیسم دیگر برای یهودیان هیچ جذابیتی ندارد و آنها خواستار بازگشت به کشورهای مادری خود هستند. البته برای بازگشت آنها می‌توان دلایل متعدد اقتصادی، امنیتی و... ذکر کرد. در واقع یهودیان به امید دستیابی به امنیت و رفاه به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند؛ اما امروز تمام این امیدها از دست رفته و هیچ بهانه‌ای برای ماندن آنها در سرزمین‌های اشغالی وجود ندارد. در پایان این نکته قابل ذکر است که موضوع مهاجرت معکوس پدیده‌ای است که می‌تواند خطر حیاتی برای رژیم صهیونیستی در پی داشته باشد. مهاجرت معکوس در اسرائیل ضربه شدیدی به مهم‌ترین پایه‌های فلسفه اندیشه صهیونیسم وارد می‌کند (عبدالرحمن، ۲۰۱۵). پس از افزایش تعداد مهاجران اسرائیلی به خارج از کشور به‌ویژه به ایالات متحده آمریکا و آلمان، اسرائیل حالتی از بحران را در دو سطح رسمی و غیررسمی، شاهد می‌باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۳- دارایسدل، آلسدایر و جرالد اچ بلیک (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی)، چاپ پنجم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۴- روزنامه اطلاعات (۱۳۹۲)، «رژیم صهیونیستی و بحران مهاجرت معکوس»، ۱۹/۲/۱۳۹۳.
- ۵- زواری، سید عبدالمجید (۱۳۹۳)، «زلزله مهاجرت معکوس در سرزمین‌های اشغالی»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۶- سلطانشاهی، علیرضا (۱۳۸۶)، «مهاجرت معکوس»، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۱۲.
- ۷- سیمبر، رضا (۱۳۹۳)، «بحران هویت و مهاجرت معکوس در رژیم صهیونیستی»، اندیشکده تبیین.
- ۸- صرفی، محمد (۱۳۸۵)، «پیامدهای حملات موشکی حزب‌الله اسرائیل بر روی گسل»، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۵۷۷.
- ۹- صفاتاج، مجید (۱۳۸۱)، نژادپرستی صهیونیستی، تهران: جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- ۱۰- کلهر، محمدرضا (۱۳۹۳)، «صهیونسیم، تبعیض... مهاجرت»، روزنامه کیهان، ۱۰/۷/۱۳۹۳، شماره ۲۰۸۸۸.
- ۱۱- کوئیگیلی، جان (۱۳۷۲)، فلسطین و اسرائیل، رویارویی با عدالت، ترجمه سهیلا ناصری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۲- مرادی، وحید (۱۳۹۳)، «علل و عوامل هاراگیری شارلی ابدو»، روزنامه رسالت، ۸/۱۱/۹۳، سال سی‌ام شماره ۸۳۰۶.
- ۱۳- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی مهاجرت یهودیان به فلسطین و بالعکس» پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران.

منابع غیرفارسی

- ۱- أبو جابر، ابراهیم (۲۰۱۴)، «الهجرة المعاكسة: خطر وجود علی الكيان الاسرائیلی!!»، مرکز الدراسات المعاصرة.
- ۲- أبو زید، سرکیس (۲۰۰۸)، «اسرائیل تقترب من نهايتها»، شبکه فولتیر، بیروت.
- ۳- الجزیره. نت (۲۰۱۵)، «ارتفاع قیاسی بهجرة اليهود لاسرائیل فی ۲۰۱۴» قسم الاخبار، الجزیره. نت، قطر.
- ۴- السهلی، نبیل (۱۳۸۵)، «یهودیان افزایش مهاجرت معکوس»، روزنامه رسالت، شماره: ۵۹۰۰.
- ۵- السهلی، نبیل (۲۰۱۴)، «المقاومة الفلسطينية تدفع الشباب اليهودی للهجرة المعاكسة»، العربی‌الجدید.
- ۶- النعامی، صالح (۲۰۰۶)، «ماکینزمات ومظاهر تاثیر الانتفاضة علی الواقع الديموغرافی فی اسرائیل»، مرکز باحث، بیروت.
- ۷- طعمه، نقولا (۲۰۱۴)، «اللویب الصهیونی یستغل أحداث اوکراینا لاستجلاب اليهود إلى فلسطین المحتلة»، موقع قناة المیادین، بیروت.
- ۸- عبد الحکیم، أسامه (۲۰۰۴)، «الهجرة المعاكسة.. کابوس الساسة الاسرائیلیین»، الجزیره. نت، قطر.
- ۹- عبد الرحمن، أسعد (۲۰۱۳)، «الجديد عن «الهجرة المعاكسة» من اسرائیل»، المؤسسة الصحفیه الاردنیة، الرأی.
- ۱۰- عبد الرحمن، أسعد (۲۰۱۵)، «مأزق الهجرة المعاكسة الاسرائیلیة»، موسوعه اخوان المسلمین.
- ۱۱- غانم، هنیده (۲۰۱۴)، «اسرائیل ۲۰۱۲- صورہ عامه: الملخص التنفيذي»، تقریر مدار الاستراتیجی ۲۰۱۳، مرکز الفلسطینی للدراسات الاسرائیلیه، رام الله- فلسطین.
- ۱۲- کرزم، جورج (۲۰۰۷)، «الهجرة اليهودیة المعاكسة ومستقبل الوجود الکولونیالی فی فلسطین»، مرکز دمشق للدراسات النظریه و الحقوق المدنیه.
- ۱۳- موسی، حسین خلف (۲۰۱۴)، «ظاهرة الهجرة العکسیة فی اسرائیل»، فی دراسات استراتیجیة، موقع احتلال.
- ۱۴- هویدی، علی (۲۰۱۵)، «حادثة شارلی ایبدو ودعوات الهجرة إلى فلسطین المحتلة»، الخلیج اونلاین.